

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ جولای ۲۰۲۲

طالبان هوشیار شده اند، دیگر به آخرت ایمان ندارند!

دوسنبه - ۲۷ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: یادداشت امروز را به بحث در مورد ازدواجهای مکرر سران و رهبران طالبان با دوشیزگان و زنان جوانی از کابل و بقیه شهر های افغانستان اختصاص داده ام:

۱- هرچند ازدواج یک امر شخصی و خصوصی بین دو انسان یعنی زن و مرد است، اما زمانی که این رابطه خلاف آنچه "انگلس" روابط جنسی آگاهانه، آزادانه و بدون خرید و فروش را عالی ترین رابطه بین دو انسان می داند، فاقد آن عناصری گردد که "انگلس" بر آنها تأکید ورزیده، یعنی با جبر، زور، فریب و مبادله پولی و جنسی زیر نام ازدواج و یا تمتع جنسی موقت و گذرا همراه گردد، مسلماً از یک رابطه خصوصی بین دو انسان بیرون شده، موضوعی می گردد که جامعه می باید بدان بپردازد.

۲- تا جایی که از مشاهده و مطالعه چهار دهه اخیر بر می آید، این تنها طلبان نیستند که به محض رسیدن به قدرت، خواسته اند با ازدواج های مجدد، به اصطلاح زنان خانگی شان را در همان خانه بگذارند و از طریق ازدواج با دختران جوان و قسماً تحصیل کرده، ضمن انتخاب زن جدید و به اصطلاح "جای روی" طرز زندگانی جدیدی را نیز در خانواده هایشان بیاورند. همه به خاطر داریم که به محض به قدرت رسیدن باند های خلق و پرچم و صدور فرمان تعیین "نرخ برای یک زن" از جانب آن باند های میهنفروش و ضد زن، نخست این خلقی- پرچمی ها به خصوص خلقی ها بودند که به موازات تغییر لباس ها و انداختن نکتائی هائی مربع شکل بر گردن، با دختران و زنان جوان نیز خلاف ادعا های شان که گویا مخالفت با تعدد زوجات اند، مجدداً ازدواج نمودند.

به دنبال آنها وقتی جهادی ها به قدرت رسیدند، علی رغم آن که سخت کوشیدند تا ازدواجها و صیغه های فصلی آنها پوشیده بماند، مگر آن طوری که بایست در آن کار توفیق نیافتند و حرمسرا های تعدادی از آنها افشاء شد. این رسم منحط به جهادی ها خلاصه نشده، وقتی جواسیس تکنوکرات به قدرت رسیدند، زنجارگی را تا جایی توسعه دادند که حتا ارگ کابل اسم با مسمای "فاحشه خانه" را برای خودش اختصاص داد.

بناءً وقتی اینک ازدواجهای مکرر سران و رهبران طالبان را با دختران جوان و قسماً تحصیل یافته می بینیم، می شنویم و یا می خوانیم باید این انصاف را نیز داشته باشیم که همزمان با تقبیح عملکرد آنها، بنیانگذاران این رسم پلید را نیز محکوم نموده عملشان را تقبیح و محکوم نمائیم.

۳ - و اما این که چرا مردان جامعه ما به محض رسیدن به قدرت و پول، به شریکان اولی زندگی شان که با ناداری ها و در به دری های آنها ساخته، گاهی شکم گرسنه از اولاد پا برهنه شان نگه داری کرده اند؛ پشت نموده، می خواهند با تغییر وضع اقتصادی زندگی شان، با دختر و یا زن جدیدی به حجله بروند، به نظر من عمومیت این عمل بین اقشار مختلف جامعه، نشان از آن دارد که در مجموع مردان وطن ما به زن، دید انسانی، رفیقانه و مساویانه ندارند، بلکه آنها را به مثابه ابزاری می دانند که حین ضرورت و تنگدستی و یا رفاه و قدرت، به مانند ابزار و سایل خانه، می توان آنها را عوض کرد.

یعنی به همان سان که با رسیدن به قدرت و پول شطرنجی، گلم رنگ رفته و دوشک های شاریده را از اتاق بر می دارند و به جایش قالینهای زیبا و کوچ و چوکی قیمتی می گذارند، همان اعتقاد و برخورد ابزاری به زن، به آنها اجازه می دهد تا فراش را نیز با فرش عوض نمایند.

هموطنان گرامی!

همین طرز دید و اعتقاد سخیف باعث می گردد که از چپ نما تا راست، از به اصطلاح کمونیست ها تا اسلام گرایان افراطی، وقتی زندگی مادی آنها تغییر خورد، ذهنیت خانوادگی شان نیز تغییر یافته، بخواهند مزد گویا خدماتی را که از نظر خودشان کرده اند، در همین دنیا به مثابه مقدمه ۷۰ حور و عده شده با ازدواجهای مجدد تأمین نمایند. این طرز برخورد نشان می دهد که نه تنها چپ نما ها، وقتی از خدمت به خلق حرف می زدند، منظورشان خدمت به پائین ناف خودشان بوده است، بلکه اسلام گرایان نیز آنقدر هوشیار شده اند که بدانند، به امید حلوائی نسبی، سیلی نقده را از دست ندهند. یعنی به جای در انتظار ۷۰ حور ماندن، همین حالا با ازدواجهای مکرر زیر ناف شان را راضی نگه دارند.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**